

# انجمن کدام حجت؟!

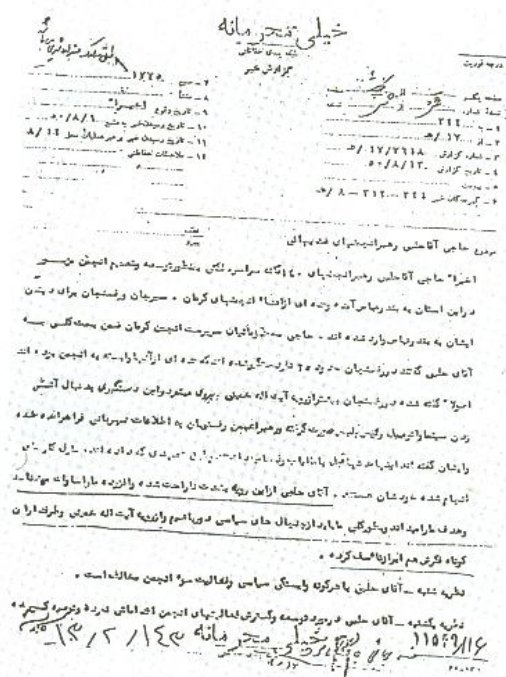
در نقد انجمن حجتیه

یکی از «جریان‌های درون دینی» که دچار انحرافات شده، جریان‌ی به نام **تَحجّر** است. از نگاه جریان شناسی فکری، **متحجّر** به کسی گفته می شود که: برداشت ظاهری و سطحی از دین داشته باشد. از دل جریان تحجر، انجمن هایی از جمله **انجمن حجتیه** بر آمده!

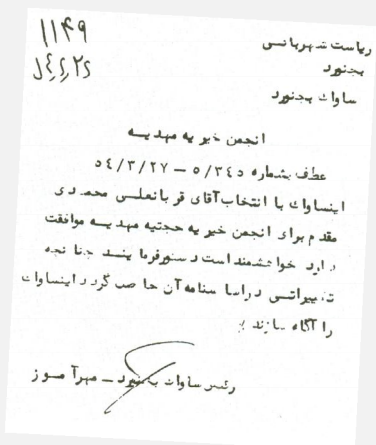
انجمن خیریه حجتیه از سال ۱۳۳۵ تاسیس و مؤسس آن شیخ محمود ذاکرزاده تولایی (حلبی) می باشد. هدف از تاسیس این انجمن - که صرفاً جنبه اعتقادی داشته - مبارزه با بهائیت بود. اما این انجمن در اصل با ریشه بهائیت که رژیم طاغوت بود، هیچ مبارزه ای نکرد! (بسیاری از وزرای کابینه شاه، بهایی بودند) بلکه با آنان نیز ارتباط داشته اند! بر طبق اسنادی **ارتباط آنها با ساواک و طاغوت** موجود است:

موضوع: حاجی آقا حلبی رهبر انجمنهای ضد بهائی  
اخیرا حاجی آقا حلبی رهبر انجمنهای 140 گانه سراسر کشور به منظور توسعه و تعمیم انجمن مزبور در این استان به بندر عباس آمده و عده ای از اعضای انجمنهای کرمان، سیرجان و رفسنجان برای دیدن ایشان به بندر عباس وارد شده اند. حاجی محمد زمانیان سرپرست انجمن کرمان ضمن بحث کلی به آقای حلبی گفتند: در رفسنجان حدود 65 نفر دستگیر شده اند که عده ای از آنها وابسته به انجمن بوده اند، اصولا گفته شده در رفسنجان بیشتر، از رویه آیت الله خمینی پیروی می شود و این دستگیری به دنبال آتش زدن سینما و اتومبیل رئیس پلیس صورت گرفته و رهبر انجمن رفسنجان به اطلاعات شهربانی فراخوانده شده و ایشان گفته اند آنها مدتها قبل با ما ایاب و ذهاب نداشتند و طبق تعهدی که داده اند مسئول کارهای انجام شده خودشان هستند.

آقای حلبی از این روش به شدت ناراحت شده و افزوده: ما را ساواک می شناسد و هدف ما را می داند و به طور کلی ما باید از جنجالهای سیاسی دور باشیم و از رویه ی آیت الله خمینی و طرفداران کوتاه فکرش هم ابراز تاسف کرد.  
نظریه شنبه: آقای حلبی با هر گونه وابستگی سیاسی و فعالیت سوء انجمن مخالف است.



به: ریاست شهربانی بجنورد  
از: ساواک بجنورد  
درباره: انجمن خیریه مهدیه  
این ساواک با انتخاب قربانعلی محمدی مقدم برای انجمن خیریه مهدیه موافقت دارد. خواهشمند است دستور فرمایند چنانچه تغییراتی در اساسنامه آن حاصل گردد، این ساواک را آگاه سازند.  
رئیس ساواک بجنورد، مهرآموز



**م س ر ی**

شماره: ۱۵۸/۳۵۳۵  
تاریخ: ۲۵/۴/۵۶  
پست: ۲۵

تیمسار ریاست ساواک  
مدیریت کل ادارات (۲۱۲)  
ساواک تهران - ۱۳۵۲

سازمان اطلاعات و ارتباطات  
مهدوی

در تاریخ: عناصر افراطی - و با چرا چو.

بازگشته به: ۳۱۲/۲۰۰ - ۵۲/۳/۸

در ملاقاتی که طی چند جلسه با شیخ محمود حلبی سرپرست انجمن مبارزه با بهائیت به عمل آمد، مشارالیه اظهار داشته که از هیجده سال قبل تا کنون انجمن مزبور تشکیل شده و هر روز در اکثر شهرستانها دارای تشکیلاتی گردیده و در تهران نیز در نقاط مختلف دارای جلساتی است و اکنون برنامه های جلسات صرفاً در حوزات در مسائلی دینی و تنویر افکار آنان بود ما سابقاً ننویسید و اکنون برنامه های جلسات صرفاً در تمام قوا کوشش نمود که کوچکترین مسئله سیاسی در جلسات مطرح نشود حتی بهائیت بنگمرو حیه جنجالی روحانیون و مواظد آشنائی دارد اجازت ورود بکنفرانس روحانیون را به مجلسات و دخالت آنان را در این زمینه نداد است. - مشارالیه اما افزود که بجز تاکنون جلسات زیادی به دستگاه نمودم حتی قبل از برگزاری جشنهای ۲۰۰۰ ساله که بهائیان قصد کسب امتیاز جهت شناسائی خود را داشته اند اقدامات مؤثری بعمل آورد که بطور حتم - بشرط عرض رسید ماست زیرا تیمسار ارتشبد اویسی فرمانده کل ژاندارمری وقت در جریان بوده اند و ادامه داد چنانچه دستگاه مصلحت نداند که این انجمن بکار خود ادامه دهد به فعالیتش خاتمه داد ولی مراتب را بشرط عرض همایونی خواهد رسانید. ضمن این که مذاکرات لازم در مورد مراقبت از جلسات به منظور جلوگیری از نفوذ احتمالی افراد خرابکار و برانداز انجام شده، اقدامات مراقبتی نیز به عمل آمده و به منابع مربوطه در این زمینه داده شده است. بدیهی است هرگونه خبر واصله به موقع به عرض خواهد رسید.

رئیس ساواک تهران - پرنیان فر

۱۳۵۲/۴/۲۵  
۱۶۱۱۱۳



در ملاقاتی که طی چند جلسه با شیخ محمود حلبی، سرپرست انجمن مبارزه با بهائیت به عمل آمد، مشارالیه اظهار داشته که از هیجده سال قبل تا کنون انجمن مزبور تشکیل شده و هر روز در اکثر شهرستانها دارای تشکیلاتی گردیده و در تهران نیز در نقاط مختلف، دارای جلسات کنفرانس می باشد و تا کنون برنامه این جلسات صرفاً ارشاد جوانان در مسائل دینی و تنویر افکار آنان بوده است و اضافه نمود چون سرپرستی عالییه به عهده او می باشد با تمام قوا کوشش نموده که کوچکترین مسئله سیاسی در جلسات مطرح نشود. حتی به علت اینکه به روحیه جنجالی روحانیون و وعظ آشنائی دارد، اجازت ورود یک نفر از روحانیون را به جلسات و دخالت آنان را در این زمینه نداد است.

مشارالیه اضافه نمود که انجمن تاکنون خدمات زیادی به دستگاه نموده، حتی قبل از برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله که بهائیان قصد کسب امتیاز جهت شناسائی خود را داشته اند، اقدامات مؤثری به عمل آورده که به طور حتم به شرف عرض رسیده است. زیرا تیمسار ارتشبد اویسی فرمانده کل ژاندارمری وقت، در جریان بوده اند و ادامه داد چنانچه دستگاه مصلحت نداند که این انجمن به کار خود ادامه دهد، به فعالیتش خاتمه داده، ولی مراتب را به شرف عرض همایونی خواهد رسانید. ضمن این که مذاکرات لازم در مورد مراقبت از جلسات به منظور جلوگیری از نفوذ احتمالی افراد خرابکار و برانداز انجام شده، اقدامات مراقبتی نیز به عمل آمده و به منابع مربوطه آموزش لازم در این زمینه داده شده است. بدیهی است هرگونه خبر واصله به موقع به عرض خواهد رسید.

رئیس ساواک تهران  
پرنیان فر

آنها [انجمن حجتیه] فائلند: «اسلام تنها دین عبادت است و دخالت در سیاست زبند پیشوایان دینی نیست»  
این طرز فکر با سیره اهل بیت علیهم السلام متضاد است؛ آن حجت های الهی، از طریق شاگردان، به طور جدی در سیاست دخالت می کردند و اگر غیر از این بود دیگر لزومی نداشت امامی که حکومتی ندارد و در پی حکومت نیست را به شهادت برسانند!  
**آری؛ نگاه اخباری گونه و سطحی به روایات باعث بدفهمی نسبت به روایات می شود.**

به عقیده آنان: «مبارزه با هر ظالمی به معنای بالا بردن پرچم و ادعای مهدویت است! در حالی که روایت موسوم به "رایات السُّود" یا همان "پرچم های سیاه"، اشاره به طاغوت بودن هر پرچمی است که قبل از ظهور با ادعای مهدویت و یا ارتباط مستقیم با امام عصر علیه السلام بلند شود!!

می گویند: امام زمان علیه السلام که می آید، تازه مبارزه با ظلم آغاز می شود، لذا تا ایشان نیامدند ما حق نداریم از جانب خود برای مبارزه با ظلم کاری انجام دهیم!! جالب تر اینکه به عقیده ی برخی از آنها «باید حتی به گناه دامن زد و مردم را نیز به گناه دعوت نمود تا دنیا پر از ظلم و جور شده تا زمینه ی حضور هرچه سریعتر حضرت فراهم شود! لذا هر گونه مبارزه با ظلم قبل از ظهور، را باعث تأخیر ظهور می دانند!» و این در حالی است که مبارزه با ظلم، دستور صریح قرآن است!  
بقره 145 و 193؛ مائده 51؛ انعام 68 و ...

امام حسین علیه السلام قبل ورود به صحرای کربلا در خطبه ای خطاب به لشکریان حُر بن یزید ریاحی فرمودند: **اگر کسی سلطان ظالمی را ببیند که نسبت به بندگان خدا ستم می کند و برخلاف دین رسول خدا عمل می نماید و عهد خدا را می شکند اما علیه آن شورش نکنند (مبارزه با ظلم نکنند) لیاقت چنین شخصی جهنم خواهد بود.**

مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ فَلَمْ يَغْيُرْ عَلَيْهِ بِفِعْلٍ أَوْ بِقَوْلٍ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مُدْخِلَهُ. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج 44، ص 381

برخی از آنان این روایت امام صادق علیه السلام که به سدید فرمودند: «مثل گلیم و فرشی از فرش های خانه ات باش ...» را به این منظور تفسیر می کنند که به گفته امام صادق علیه السلام نباید تا ظهور حضرت بقیة الله علیه السلام، قیام یا برخوردی با طاغوت و ظلم صورت گیرد! این در حالی است که امام صادق علیه السلام همزمان به برخی دیگر از شاگردانشان دستور مبارزه ی اعتقادی و حضور در میدان نبرد علیه طاغوت وقت را می دادند! این بدان معنی است که برخی از شاگردان آن حضرت مثل جناب "سدید" (طبق آنچه در تحلیل شخصیت این فرد در کتب رجالی آمده)، توان حضور در این میدان را نداشتند و ممکن بود به خاطر این ضعف، جان همین شیعیان اندک را به خطر بیفتد.

همین تفکر غلط و سطح ست که می گوید: «مجتهد لازم نداریم، مفسر لازم نداریم، خودمان به قرآن مراجعه می کنیم، هر چه متوجه شدیم از احکام همان را انجام می دهیم و بقیه اش به ما ربطی ندارد!» زمانی که امام زمان علیه السلام بیاید برایمان توضیح خواهد داد!!» و این یعنی تعطیلی دین و احکام آن تا ظهور حضرت!

همچنین انجمنی ها معتقدند: «جهاد در دوران غیبت معنایی ندارد، چون حاکم اسلامی که باید معصوم باشد و این الان مصداق پیدا نکرده! ما تنها وظیفه داریم دین خدا را حفظ کنیم و تکالیف شرعی مان را انجام دهیم و به شبهات و منکرات جواب دهیم و دیگر هیچ. دین از سیاست جداست» (سخنان حلبی در بحبوحه مبارزات قبل از پیروزی انقلاب)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، پایبندی انجمن حجتیه به جدایی دین از سیاست باعث شد، حتی دعوت مردم به مبارزه علیه صدام را منکر شوند! آنها می گفتند: «باید امام معصوم بیاید و دستور دفاع بدهد!» که با واکنش جدی امام خمینی (رحمة الله علیه) روبه رو شدند! دو روز پس از سخنان امام خطاب به انجمن حجتیه، این انجمن فعالیت خود را تعطیل می کند. (سال ۶۲)

**[ اما به قول امام بزرگوارمان، بین تعطیلی و انحلال فرق است! ]**

**پاسخ محکم و کوبنده امام خمینی رحمه الله علیه:**

**بعضی ها انتظار فرج را در این می بینند که «در مسجد، حسینیه و یا منزل بنشینند و دعا کنند که خداوند فرج امام زمان را برساند» اینها مردم ساده ای هستند و تلاش برای آمدن امام را در امر به معروف و نهی از منکر شخصی خلاصه می کنند! در حالی که ما تکلیف داریم و اینگونه نیست که تنها منتظر ظهور حضرت بنشینیم! این نص صریح قرآن است ...**

أَيْنَ هَادِمُ أُبْنِيَةِ الشُّرْكِ وَ التَّفَاق ...

انتظار حرکتی است که در آن با هر گونه ظلم و ستم مبارزه می شود و ملت ساکن و ثابت نیست، و برای ظهور زمینه سازی می کند. عالم پر از ظلم است، ما باید در فهم و اندازه خودمان با این ظلم مبارزه کنیم و نگوییم کاری از ما بر نمی آید.

رهبر معظم انقلاب امام خامنه ای طی سخنرانی هایی که در سال ۵۳ داشتند (آن زمانی که هنوز انقلاب نشده بود و عده ای حتی جرأت سخن گفتن نداشتند) دائما مردم را به مبارزه با طاغوت و نفی هرگونه ظلم، دعوت می کردند و می فرمودند: «اگر اسلام مظلوم واقع شده و تنها در گوشه ذهن ها و دلها مانده، وظیفه ما در قبال شهادتی که به رسالت پیامبر دادیم این است که اسلام را زنده کنیم و زمینه را برای برپایی نظامی اسلامی، فراهم نماییم.» ایشان می فرمایند: «بلند شوید، قیام کنید، تنها صرف اللهم عجل لولیک الفرج گفتن ما، فایده ای ندارد. (کتاب "طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن" پیاده شده سخنرانی رهبر معظم انقلاب در سال ۵۳)

انجمن حجتیه از سال ۳۵ که تاسیس شد تا سال ۵۷ که نهضت امام خمینی ره به پیروزی رسید، همواره با سنگ اندازی در عرصه های مختلف، و امتناع از هرگونه همکاری و شرکت در قیام، با نهضت و قیام مردم ایران مخالفت می کردند و در ۹۹ در صد مواقع، آب در آسیاب دشمن نیز می ریختند! آنها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در بین نهادها و انقلابیون نفوذ کرده و به فعالیت خود با همان اهداف ادامه دادند! تا سال ۱۳۶۲ که با برخورد قاطع امام خمینی روبه رو شدند و انجمن در واکنش به این برخورد و موضع محکم حضرت امام، صرفا اعلام تعطیلی کرد! انجمن تا سال ۶۸ که امام خمینی (رحمة الله علیه) دار فانی را وداع گفتند، پنهان بودند اما بعد از آن، فرصتی پیدا کردند تا بدون نام و عنوان، در مدارس نفوذ کنند! آنها تا سال ۸۶ به فعالیت پنهانی پرداختند تا بتوانند تاثیر گذار باشند ولی بعد از نرسیدن به اهداف خود مبنی بر اینکه: «زینده ی علما نیست که در سیاست دستی داشته باشند» تصمیم گرفتند که در پُست های دولتی وارد شده و مشغول فعالیت شوند، با این هدف که بتوانند حرف خود را با استفاده قدرت مناصب، به کرسی بنشانند! امروز هم در برخی از پست های کلیدی کشور، برخی از منسوبین به این تفکر، مشغول به کار هستند!

**بله، این است همان قصه ی یک بام و دو هوا! منفعت طلبانی که در دوران رژیم پهلوی - نسبت به سیاست - مثلا از همه ساکت تر بودند، اما در دوران جمهوری اسلامی ایران، از دیگران دغدغه مند تر شده و پدر سیاست را در آوردند! آنجایی که باید سخن بگویند ساکت اند اما آنجایی که باید کمک و دستگیری کنند، از سنگ انداز ترین افراد هستند!**

هشدار: و این ماجرا ادامه دارد ...